

تحلیلی بر نوسازی و کارکرد خانواده در استان مازندران

حسین نازک تبار *

شهرام ملانیا جلودار **

سیده زهرا حسینی درونکلانی ***

چکیده

در طول دو سده اخیر در جریان نوسازی، خانواده ایرانی دچار تغییرات اساسی گردیده است. بر این اساس هدف اصلی پژوهش آن است که تغییرات کارکردی خانواده در بستر نوسازی در استان مازندران را مورد بررسی قرار دهد.

روش تحقیق حاضر، پیمایشی بوده و سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی استان مازندران جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران چهارصد نفر تعیین شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه بوده است.

* نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ hntabar@yahoo.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور؛ smollania@yahoo.com

*** دکترای تخصصی مدیریت آموزشی واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛ s.zahra.hoseini61@gmail.com

یافته‌ها نشان داد که در نقاط شهری، بین نوسازی و کارکرد حمایتی-مراقبتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در نقاط روستایی بین این دو متغیر تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. اما بین دو متغیر نوسازی و کارکرد عاطفی در نقاط شهری و نقاط روستایی تفاوت معناداری دیده نشده است.

خانواده هنوز هم از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است. البته با شواهدی می‌توان به تغییرات کارکرد خانواده اشاره کرد ولی این تغییرات در دو نقاط شهری و روستایی متفاوت است.

واژگان کلیدی

نوسازی، کارکرد خانواده، کارکرد حمایتی-مراقبتی، کارکرد عاطفی.

مقدمه

تجربه نوسازی^۱ در جهان بازگویی آن است که برنامه‌های نوسازی، زمانی موثرتر خواهد بود که بتواند طرز فکر انسان‌ها و روش زندگی آن‌ها را تغییر دهد و از آن جا که انسان‌ها در چارچوب خانواده شکل گرفته‌اند، پس طبیعتاً فرایند نوسازی در وهله نخست، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تأثیرپذیری کارکرد خانواده از فرایند نوسازی از سوی اسملسر^۲ (۱۹۵۹)، لرنر^۳ (۱۹۵۸)، پارسونز^۴ (۱۹۶۶)، رابرت وود^۵ (۱۹۷۷)، ریچارد لامبرت^۶ (۱۹۶۳)، اینکلس^۷ (۱۹۷۶) و اینگلهارت^۸ (۱۳۷۳) مورد تأکید قرار گرفته است. در طول دو سده اخیر در جریان نوسازی، خانواده ایرانی دچار تغییرات اساسی گردیده است. تغییرات ایجاد شده در ساختار کلی جامعه در دهه‌های اخیر در اثر اجرای برنامه‌های متنوع نوسازی به ویژه گسترش آموزش عالی و وسائل ارتباط جمعی، شرایط دگردیسی نهادهای مسلط اجتماعی را فراهم کرده‌اند، به گونه‌ای که برخی نهادهای

-
1. Modernization
 2. Smelser
 3. Lerner
 4. Parsons
 5. Wood
 6. Lambert
 7. Inkeless
 8. Inglehart



اجتماعی کارکردهای سنتی خویش را از دست داده و کارکردهای نوینی پیدا کرده‌اند. خانواده نیز از این مهم مستثنی نیست، به طوری که گونه‌گون شدن همه جانبه خانواده و تغییر نظام قدرت در آن مشهود است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۶۸). بنابراین، عده‌ای تغییرات را به معنای زوال و فروپاشی خانواده در دوره جدید می‌دانند. افلاطون، مارکس و انگلس و فمینیست‌ها هر یک به دلایلی متفاوت از دیگری به حذف کارکردهای سنتی خانواده در جامعه می‌اندیشند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). در مقابل، عده‌ای به بقای خانواده با وجود تغییرات آن توجه دارند. عده‌ای از کارکردگرایان ساختاری تحت تأثیر اندیشه‌های کنت، دورکیم، پارسونز و مرتن مدعی‌اند که تغییر نظام کارکردی خانواده امری نامحتمل و تصورناپذیر است و خانواده پاسخ‌گوی اساسی‌ترین نیازهای انسانی و اجتماعی است و به همین لحاظ هرگز دچار فروپاشی نخواهد شد (هارالامبوس، ۱۹۹۱: ۳۲۵). با این حال، خانواده خود پدیده‌ای است که به بیان گورویچ هر لحظه در حال دگرگونی بوده و از فراگردهای «ساختی شدن»^۱ «از ساخت افتادن»^۲، «بازساختی شدن»^۳ برخوردار است. لذا، هرگونه نگرشی به خانواده بایستی نگرشی پویا و دیالکتیکی باشد (مهدی، ۱۳۵۴: ۶۴).

در ایران، نهاد خانواده در چند دهه‌ی اخیر عمدتاً به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌های نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن، دست خوش تغییرات مهمی شده که در نتیجه‌ی این تغییرات، کارکردهای سنتی خانواده در ایران تضعیف شده است. آن چه در این پژوهش مد نظر است، بررسی تغییرات کارکردی خانواده در بستر فرایند نوسازی در استان مازندران است. اما در پاسخ به این پرسش که آیا مازندران در معرض برنامه‌های نوسازی قرار گرفته است یا نه، باید گفت که استان مازندران از برنامه‌های نوسازی دوره پهلوی دوم به ویژه اصلاحات ارضی و در هم شکسته شدن نظام ارباب رعیتی از بعد اجتماعی تأثیرات زیادی پذیرفت. با وقوع انقلاب سال ۵۷ در ایران، فرایند دگرگونی‌های اجتماعی شدت و گسترش بیش‌تری یافت و به تدریج دیگر ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی استان مازندران را نیز فرا گرفت.

1. Structuralization
2. Desrtucturalization
3. Restructuralization

با توجه به این که توسعه و پیشرفت جامعه تا حدود زیادی در گرو نهاد خانواده است، مقاله حاضر در پی آن است تا آسیب‌هایی که نهاد خانواده در فرآیند نوسازی تجربه می‌کند را شناسایی نماید تا بدین وسیله بتوان با برنامه‌ریزی‌هایی در جهت کاهش این معضل گام برداشت. آمارهای ارائه شده توسط نهادهای مربوط، حکایت از بحران نهاد خانواده در ایران دارد. از این رو، خانواده در دوران معاصر تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده که انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش این است که آیا تاثیر نوسازی بر کارکرد حمایتی- مراقبتی خانواده در نقاط شهری با نقاط روستایی متفاوت است؟ و آیا تاثیر نوسازی بر کارکرد عاطفی خانواده در نقاط شهری با نقاط روستایی متفاوت است؟ اگر این تفاوت معنادار است، میزان و رابطه آن بر هر یک از مولفه‌ها چگونه است؟

پیشینه تحقیق

مرور تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که خانواده در دنیای معاصر تحت تأثیر مؤلفه‌های نوسازی، از لحاظ کارکردی، تغییرات وسیعی را تجربه کرده است. به عبارت دیگر، تحقیقات انجام شده در مورد کارکرد خانواده نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها، نوسازی را باعث تحولات خانواده می‌دانند.

آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۷۹) نیز به بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی با تاکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با وجود پایایی کارکردهای آداب و رسوم ازدواج و تشدید در اجرای مراسم، برخی از سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده و شبکه خویشاوندی تحت تأثیر تحولات فرهنگی اجتماعی بوده است.

آقاجانیان (۲۰۰۱) در مطالعه‌ی خود با موضوع خانواده و تغییرات آن در ایران، بر این عقیده است که به این نتیجه رسید که نهاد خانواده در ایران کنونی تحت نفوذ و تأثیر تمدن ایرانی قبل از اسلام، ارزش‌ها و دکترین‌های اسلامی، تلاش‌ها و فعالیت‌های نوسازی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ ویرانگر و تلاش‌های اخیر برای توسعه اقتصادی می‌باشد.

هیرشمن و مین (۲۰۰۲) در مطالعه‌ی درباره تأثیرات نوسازی بر ساختار خانواده پدر مکانی در کشور ویتنام، به این نتیجه رسیدند که علی‌رغم وجود فرآیند نوسازی و



شیوع مشاغل غیرکشاورزی و بالارفتن سن ازدواج، این نوع الگوی خانواده تغییر محسوسی نکرده است، یعنی سکونت بین‌نسلی برای جوامع مدرنیزه شده هنوز کارکرد خود را حفظ کرده و مورد استقبال است. ویلیام گود (۱۹۶۳) نیز در اثر خود با عنوان انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، نشان‌داد که تغییرات اساسی در حوزه‌های رفتار، ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌های مرتبط با خانواده صورت گرفته است.

بنابراین، در این تحقیق سعی شده است تا تاثیر نوسازی را بر بعد حمایتی-مراقبتی خانواده و نیز بعد عاطفی خانواده در دو جامعه مختلف (شهری/روستایی) بررسی و مقایسه شود. مروری بر مطالعات انجام شده در حوزه کارکرد خانواده حاکی از کمبود مطالعات علمی و دقیق در این حوزه می‌باشد. در مقاله حاضر سعی شده است با تلفیق شاخص‌ها، رویکردها و یافته‌های مختلف درباره‌ی فرآیند نوسازی و کارکرد خانواده، نگاه جامعی به وضعیت فرآیند نوسازی و کارکرد خانواده ارائه داده شود. حتی مرور بر این ادبیات نشان می‌دهد که هیچ مطالعه‌ای در ایران وجود ندارد که به‌طور خاص به موضوع نوسازی و خانواده پرداخته باشد. از این رو می‌توان این مقاله را به عنوان یک تحقیق نادر در این عرصه به شمار آورد.

چارچوب نظری

با توجه به تغییرات اجتماعی سریع در دوران معاصر، خانواده به عنوان «کوره تغییر»، دچار تغییرات محسوسی شده است. زیرا خانواده به انطباق با شرایط اجتماعی تغییر یافته و از منظر دیگر به بازتولید ارزش‌های جدید خانوادگی پرداخته است. در تبیین این که چرا خانواده تغییر می‌کند و چه عواملی بر این تغییر تأثیرگذارند، می‌توان به یک شناخت نظری دست یافت و پاسخ به این سوال را در چارچوب نظریه‌های مطرح‌شده جست‌وجو نمود. این چارچوب‌های نظری در قالب نظریه‌های نوسازی، ساختی-کارکردی و تغییر ایده‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱- نظریه نوسازی

با توجه به این که مبنای بررسی این تحقیق تغییرات خانواده و تأثیرپذیری آن از برخی عناصر نوسازی است. از این رو، برای بررسی تأثیرات نوسازی بر ساختار خانواده تلاش می‌شود از آن دسته از نظریات نوسازی استفاده شود که به موضوع گذار و تغییر در

فرآیند نوسازی پرداخته‌اند، هم‌چون نظریه‌ی اسملسر، لرنر، اندرسون و شیلز. این نظریه‌ها، علاوه بر بحث تغییرات ساختار خانواده در جریان نوسازی، به تمایزات کارکردی نهاد خانواده نیز اشاره دارند. علاوه بر این‌ها، نظریه‌پردازهای جنسیتی مانند بازراپ^۱ (۱۹۸۱) با اقتباس از ایده‌های نظریه‌پردازان نوسازی، بر این عقیده‌اند که با افزایش سطوح توسعه اقتصادی، نابرابری‌های جنسیتی کاهش می‌یابد. زیرا توسعه اقتصادی، موقعیت زنان را به وسیله افزایش مشارکت‌شان در اقتصاد صنعتی و بهبود سطوح تحصیلی‌شان، افزایش می‌دهد (ساندارام^۲، ۲۰۰۵: ۱۰). از این رو، در تبیین ساختاری تغییرات خانواده بر تغییر منظومه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأکید می‌شود. تغییرات ساختاری عمدتاً از طریق نشانگرهای رشد صنعت، شهرنشینی، آموزش، درآمد و مصرف، حمل و نقل و ارتباطات و اشکال متعدد تکنولوژی‌های جدید تبیین می‌شوند (جایا کودی و دیگران^۳، ۲۰۰۷: ۴).

در فرآیند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی به وجود می‌آید و افراد به صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند، یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی، تکثرگرایی ایدئولوژیکی، نسبیت، قابلیت تغییرپذیری و تسامح صورت می‌گیرد و خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می‌شود. هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که وستوف^۴ (۱۹۷۸) مطرح می‌کند که «تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند. زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقای فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می‌باشد» (ویکز^۵، ۲۰۰۲: ۴۱۶). ویلیام گود^۶ (۱۹۶۳) نیز با مطرح کردن ایده «انقلاب جهانی در الگوهای

1. Boserup
2. Sundaram
3. Jayakody et al
4. Westoff
5. Weeks
6. William Good



خانواده»، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند. مک دونالد (۲۰۰۶) نیز بر تأثیرپذیری خانواده در جریان لیبرالیسم اجتماعی (نوسازی بازاندیشانه^۱) و سرمایه‌داری جدید اقتصادی تأکید دارد.

در نهایت، اگر بخواهیم بر اساس دیدگاه نوسازی به تغییرات خانواده بنگریم، خواهیم دید که این نظریه، تغییرات خانواده را به تغییرات در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، مرتبط می‌کند. بر این اساس، تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی کل یا به عبارت دیگر، انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می‌شوند (عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۷).

۲- نظریه ساختی - کارکردی

علاوه بر نظریه نوسازی، دیدگاه ساختی - کارکردی نیز، یکی از رویکردهای اساسی در مطالعه تغییرات خانواده محسوب می‌شود. استفاده از این دیدگاه در مطالعه خانواده به صورت جدی و گسترده، توسط پارسونز شروع گردید (برنارد^۲، ۱۹۷۲: ۳۷). بر اساس این نظریه، خانواده یکی از خرده‌نظام‌های نظام اجتماعی کل محسوب می‌شود که کارکردهایی را جهت بقای نظام و حفظ ارزش‌ها و هنجارها برای ایجاد نظم و تعادل در جامعه بر عهده دارد. از منظر کارکردگرایی ساختاری، خانواده به مثابه یک نهاد اجتماعی، توازن خود را در کل نظام اجتماعی حفظ نموده و توانسته به بازتولید ارزش‌های خود بپردازد و آن را حفظ کند و به نسل‌های بعد منتقل کند (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۷۹: ۷).

از نظر پارسونز دو کارکرد اصلی خانواده عبارت‌اند از: اجتماعی شدن اولیه و تثبیت شخصیت. از نظر وی خانواده هسته‌ای مناسب‌ترین و کارآمدترین نوع خانواده برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه صنعتی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۵۵). پارسونز بر اهمیت خانواده و حفظ ثبات جامعه و سلامت افراد تأکید می‌کند و روی کارکردهای مثبت خانواده مانند تنظیم روابط جنسی و تولید مثل، جامعه‌پذیری، مراقبت و نگهداری فرزندان، تعیین پایگاه اجتماعی، حمایت عاطفی و تأمین عشق و محبت و امنیت فرد

1. Reflexive Modernization
2. Bernard

تاکید می‌کند و کارکردهای منفی خانواده را وجود علاقه عاطفی قوی بین اعضا و در نتیجه محدود کردن آن‌ها توسط یکدیگر، نادیده گرفتن کار زنان در خانواده و خشونت خانوادگی می‌داند (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۵۳).

کونیگ، خارج شدن کارکرد تولید اقتصادی خانواده به سازمان‌های مستقل جامعه، انتقال کارکرد قدرت در کلیت خود به دولت، خارج شدن کارکرد مذهب و تجمعات فرهنگی از خانواده و انتقال آن به کلیسا و سایر نهادهای اجتماعی را مورد بحث قرار می‌دهد. او معتقد است که امروزه درخواست‌های شغلی آن چنان هستند که خانواده هرگز قادر به ارائه آموزش شغلی به فرزندان نمی‌باشد. بنابراین، آموزش شغلی نیز به مؤسسات خاص دولتی با پرسنل آموزش دیده واگذار شده است، از طرف دیگر، کوچک شدن و از لحاظ اقتصادی بی‌قدرت شدن خانواده مانعی در ارائه کارکردهای تأمین و محافظت اعضای سال خورده و بیمار است که آن هم امروزه به سازمان‌های متخصص واگذار شده است. گذران اوقات فراغت چه برای جوانان و چه سایر اعضای خانواده نیز امروزه شکلی خاص به خود گرفته و در انجمن‌ها، گروه‌ها و کلوب‌های مختلف سازمان می‌یابد. او حتی معتقد است که خانواده در مصرف مواد لازم روزانه خود نیز به سازمان‌های عمومی، که مثلاً غذاهای آماده برای طبخ آماده می‌کنند، وابسته شده است. به این ترتیب، فعالیت‌های درون خانواده که تا حدود زیادی معطوف به تولید برای مصرف خانگی بود، کاهش یافته است. با توجه به کلیه کارکردهایی که دیگر در خانواده موجود نیستند، او به اصطلاح "کاهش کارکرد خانواده به کارکردهای مشخص خانوادگی" رسید. او این کارکرد را تنها کارکردی می‌داند که در محدوده مستقل خانواده است و این جمله مک‌آیور "همان طور که خانواده کارکردی بعد از کارکردی را از دست می‌دهد، به کارکرد واقعی خود می‌رسد" مصداق می‌یابد (کونیگ^۱، ۱۹۸۷: ۲۴۸). به این ترتیب، کارکرد اختصاصی خانواده با توجه به صمیمیت و علائق اعضای ساخت شخصیت فرهنگی - اجتماعی کودکان است. این کارکرد واقعی خانواده برای سالیان متمادی زیر پوشش نیازهای ثانویه قرار داشت و تنها پس از پیدایش جوامع مدرن، خانواده توانست از زیر بار تمام کارکردهای ثانویه رها شود و به وظیفه اصلی خود برسد.

1. König



شلسکی از دو قانون ثبات خانواده مدرن نام می‌برد. ثبات یا انعطاف‌پذیری خانواده‌ها در جوامع مدرن به این دو قانون وابسته است؛ ۱- هر اندازه که در خانواده بقایای کارکردهای نهادی بیش‌تر باقی مانده باشد خانواده ثبات بیش‌تری دارد (منظور کارکردهایی است که با وجود صنعتی‌شدن و تکامل کارکردهای عمومی اجتماعی هنوز در خانواده باقی مانده‌اند) "قانون ثبات". ۲- هر اندازه که این بقایای کارکردی در خانواده از طرف شخصیت اعضای خانواده بیش‌تر درونی گردد "قانون انعطاف‌پذیری". در واقع، ثبات و انعطاف‌پذیری خانواده‌ها در جوامع مدرن بسته به موجود بودن کارکردهای بیش‌تر خانواده است که قانون اول، قانون ثبات به‌خصوص در میان خانواده‌های روستایی و همچنین خانواده‌های صنعت‌گر و کارگری دیده می‌شود. قانون دوم انعطاف‌پذیری که درونی‌کردن این کارکردها را مطرح می‌کند، بیش‌تر در میان خانواده‌های بورژوازی که دارای ارزش‌های احساسی هستند و از آموزشی روشن‌فکرانه برخوردارند، دیده می‌شود (اعزازی، ۱۳۸۹: ۸۳).

۳- نظریه تغییر ایده‌ای

رویکرد تغییر ایده‌ای بر ماهیت نو و ابداعی بودن ایده‌ها و نگرش‌ها و تغییرات فرهنگی و ارزشی جامعه تأکید دارد. در چارچوب این نظریه و برای تبیین تحولات خانواده و مؤلفه‌های آن، کالدول (۱۹۸۲) بر هسته‌ای‌شدن عاطفی و خانواده هسته‌ای و گسترش آن‌ها از طریق آموزش عمومی و رسانه‌های جمعی و گسترش ایده‌ها و ارزش‌های غربی در سایر جوامع، لسته‌هاک (۱۹۸۳) بر تغییر نظام معنایی و افزایش فردگرایی سکولار^۱، تغییرات بنیادی در مفهوم ازدواج، گسترش هم‌خوابگی، آزادی جنسی، طلاق، فرزندآوری خارج از زناشویی و... در کشورهای اروپای غربی و سرایت آن به خارج از اروپای غربی، منچ و همکاران (۲۰۰۵) بر تغییرات سریع در نظام‌های ارزشی جوامع آسیایی، کاسترلین (۲۰۰۱) بر نوآوری رفتاری، تغییر ایده‌ها و دینامیک اجتماعی اشاعه و تورنتون و همکاران (۲۰۰۴) بر آرمان‌گرایی توسعه تأکید نموده‌اند.

در تمامی دیدگاه‌هایی که بیان شد، نوسازی را به عنوان عاملی که می‌تواند در جامعه ایجاد تغییر کند می‌شناسند و همچنین نهاد خانواده هم از این تغییرات مستثنا نیست. از این‌رو، مبحث محوری در تاریخ اجتماعی دوران مدرن این دیدگاه بیان می‌کند که

1. Secular Individualism

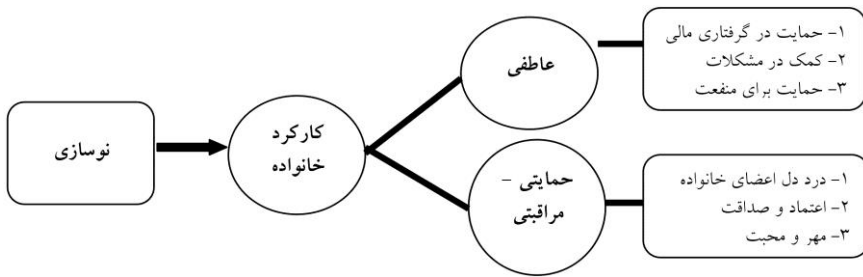
نوعی پیشرفت از شیوه‌های سازمان خانوادگی به شیوه‌های سازمان غیرخانوادگی رخ داده است که بسیاری از کارکردهایی را که خانواده در دوره‌های پیشین حفظ کرده بود، از آن گرفته است. مدارس، کودکان را جامعه‌پذیر می‌کنند، بازار کار، جایگزین شیوه تولید اقتصادی خانواده محور شده و برنامه‌های رفاه اجتماعی، نیاز به حمایت گسترده شبکه خویشاوندی را تضعیف کرده است. با این‌حال، این تغییر و تحول نه تنها حوزه‌هایی را که نیازمند توجه بیش‌تر به مطالعه تغییرات خانواده است، محدود نکرده، بلکه گسترده‌تر نیز نموده است. البته هیچ یک از این شیوه‌های سازمان غیرخانوادگی نتوانسته‌اند به‌طور کامل جایگزین خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی شوند، بلکه این بسترها کمک کرده است که یک رشته حد و مرزهایی که در آن خانواده اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند را مشخص کنند (سلتزر و دیگران^۱، ۲۰۰۵: ۹۱۵).

اگرچه، در دوره جدید، بعضی از کارکردهای خانواده در کل به دیگر نهادهای اجتماعی واگذار شده، ولی هنوز برای خانواده کارهای بسیاری باقی است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۶۵): (۱) تولید مثل، (۲) تربیت فرزندان، (۳) حمایت آموزشی و پرورشی از فرزندان، (۴) حمایت از پدران و مادران، (۵) مشارکت در ازدواج فرزندان، (۶) تقویت حس مشارکت، (۷) بروز علائق و آزادی و اعتماد اجتماعی، (۸) استراحت و رفع خستگی انسان امروز، (۹) و از همه مهم‌تر تحقق فردیت اجتماعی. هم‌چنین، ویلیام اف. آگبرن نیز در سال ۱۹۳۴ شش کارکرد اصلی را برای خانواده مطرح کرد: ۱- تولید مثل؛ ۲- حمایت و مراقبت؛ ۳- جامعه‌پذیری؛ ۴- تنظیم رفتار جنسی؛ ۵- عاطفه و همراهی؛ و ۶- اعطای پایگاه اجتماعی (شیفر^۲، ۱۹۸۹: ۳۲۴-۳۲۵). بنابراین، در تعریف از کارکرد خانواده می‌توان گفت، مجموعه‌ی فعالیت‌هایی که خانواده در جهت برآوردن نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌دهد. کارکردگرایان، این کارکردها را شامل تنظیم رفتار جنسی، جایگزین کردن اعضای جامعه از نسلی به نسل دیگر، جامعه‌پذیر کردن افراد خانواده، مراقبت و نگهداری از فرزندان و دیگر اعضای خانواده، تعیین جایگاه اجتماعی و حمایت عاطفی از اعضاء می‌دانند (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۱۴). در مجموع، به دلیل خصلت چندبعدی پدیده کارکرد خانواده، با ترکیب دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی درباره

1. Seltzer et al
2. Schaefer



آن، می‌توان یک مدل نظری را ترسیم و ارائه نمود که در آن دو مؤلفه کارکرد خانواده به فرآیند نوسازی ذکر شده است (شکل شماره ۱).



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

- در این پژوهش دو دسته فرضیه وجود دارد که در زیر بیان شده است:
- تأثیر نوسازی بر کارکرد حمایتی - مراقبتی خانواده در نقاط شهری و روستایی استان مازندران، متفاوت بوده است.
 - تأثیر نوسازی بر کارکرد عاطفی خانواده در نقاط شهری و روستایی استان مازندران، متفاوت بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی استان مازندران می‌باشد که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تعداد آن‌ها ۹۳۱۰۰۲ خانوار می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). روش نمونه‌گیری، روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد، بدین صورت که در نقاط شهری، ابتدا از هر شهر، ۳ نقطه شمال، جنوب و مرکز برحسب پهنه جغرافیایی انتخاب شدند. بلوک‌های هر نقطه بر روی نقشه شهر شماره‌گذاری شده و برحسب پهنه جغرافیایی ۳ بلوک در هر نقطه انتخاب شدند. هم‌چنین در نقاط روستایی، پرسشگران یکی از ساختمان‌های عام‌المنفعه مانند مسجد، مدرسه، حمام و یا بازار در مرکز روستا را رو در روی خود قرار داده و از

سمت چپ خود اولین ساختمان مسکونی را انتخاب کرده و دقیقاً مطابق با روش ذکرشده در شهرها (تعداد خانوارهای بلوک بر تعداد پرسش‌نامه) کار خود را شروع کردند. تعداد پاسخ‌گویان در هر منطقه متناسب با تعداد ساکنین آن منطقه بوده و افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران ۴۰۰ نفر تعیین گردید.

در این پژوهش، متغیر وابسته، کارکرد خانواده است. ویلیام اف. آگبرن شش کارکرد اصلی را برای خانواده مطرح کرد: ۱- تولید مثل؛ ۲- حمایت و مراقبت؛ ۳- جامعه‌پذیری؛ ۴- تنظیم رفتار جنسی؛ ۵- عاطفه و همراهی؛ و ۶- اعطای پایگاه اجتماعی (شیفر، ۱۹۸۹: ۳۲۴-۳۲۵). در پژوهش حاضر، کارکرد خانواده، با توجه به تغییراتی که نوسازی باعث خواهد شد، در دو حوزه (۱) حمایتی - مراقبتی و (۲) عاطفی در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجش گردید.

۱. کارکرد حمایتی و مراقبتی: برای سنجش این کارکرد، از مقیاس اصلاح‌شده آمیزش عاطفی در ابزار ارزیابی خانواده اِپستاین و دیگران^۱ (۱۹۸۳) استفاده شده است که ساختار و نظم مناسب خانواده و الگوهای تعاملاتی بین اعضای آن را مشخص می‌کند. سؤالات این کارکرد در مقیاسی تحت عنوان آمیزش عاطفی آمده که میزان علاقه مندی و توجه به نگرانی‌های اعضا را نسبت به یکدیگر ارزیابی می‌کند و محقق با اصلاح این سؤالات از آن‌ها برای سنجش کارکرد حمایتی خانواده استفاده کرده است.

۲. کارکرد عاطفی: برای سنجش کارکرد عاطفی خانواده، از پاره‌ای از سؤالات ابزار ارزیابی خانواده اِپستاین و دیگران (۱۹۸۳) استفاده شده است.



جدول ۱. تعاریف عملیاتی متغیرها (کارکرد خانواده)

مفهوم	مولفه‌ها	ابعاد / شاخص‌ها	نظریه پرداز	گویه‌ها	سطح سنجش
کارکرد خانواده	(۱) حمایتی - مراقبتی	حمایتی - مراقبتی	آجبرن، رابرتسون	(۱) اگر کسی گرفتاری مالی در خانواده تان داشته باشد، چقدر از او حمایت می‌کنید؟ (۲) معمولاً چقدر در هر ناتوانی و بیماری از اعضای خانواده تان مراقبت و نگره‌داری می‌کنید؟ (۳) چقدر در کمک به اعضای خانواده تان، نفع شخصی را ترجیح می‌دهید؟	ترتیبی (از کاملاً موافقم با کد ۱ تا کاملاً مخالفم با کد ۵)
	(۲) عاطفی	عاطفی	آجبرن، رابرتسون	(۴) چقدر با اعضای خانواده تان به راحتی درددل می‌کنید؟ (۵) چقدر بین شما و اعضای خانواده تان اعتماد و صداقت وجود دارد؟ (۶) تا چه اندازه به مهر و علاقه در ارتباط با خانواده تان اهمیت می‌دهید؟	ترتیبی (از کاملاً موافقم با کد ۱ تا کاملاً مخالفم با کد ۵)

متغیر مستقل یعنی نوسازی با چهار مؤلفه اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی به کمک سؤالات و گویه‌های گوناگون در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

نوسازی اجتماعی دلالت بر تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۸۹). در این پژوهش، نوسازی اجتماعی بر اساس ۳ مؤلفه مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) برخورداری از متغیرهای الگویی مدرن شامل عام‌گرایی، فردگرایی، بی‌طرفی عاطفی، اکتساب و تفکیک، (۲) جهانی‌گرایی و (۳) خانواده‌گرایی.

جدول ۲. تعاریف عملیاتی متغیرها (نوسازی اجتماعی)

مفهوم	مولفه‌ها	ابعاد / شاخصی‌ها	نظریه پرداز	گویه‌ها	سطح سنجش
نوسازی (متغیر مستقل)	اجتماعی	برخورداری از متغیرهای الگوی مدرن	پارسونز، لوی، اسملسر	<p>(۱) غریبه‌ها هیچ وقت جای قوم و خویش را نمی‌گیرند.</p> <p>(۲) اگر کسی جایی کار می‌کند، هر وقت لازم بود، باید کار دوستان، آشنایان و رفقا را راه بیندازد.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
				<p>(۳) همیشه در زندگی دنبال پیشرفت خودم هستم.</p> <p>(۴) من کارها را اغلب خودم به تنهایی انجام میدم.</p> <p>(۵) سعی می‌کنم مستقل از دیگران زندگی کنم.</p>	ترتیبی (از خیلی زیاد با کد ۱ تا خیلی کم با کد ۵)
				<p>(۶) هرکسی مسئول برطرف کردن مشکلات و نیازهای خودش است.</p> <p>(۷) فردا را کسی ندیده است و آدم عاقل باید به فکر امروز خود باشد.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
				<p>(۸) آدم با تلاشش می‌تواند به هر چیزی که می‌خواهد برسد.</p> <p>(۹) هر کسی باید موقعیتش را بر اساس شایستگی‌های شخصی خودش ارتقاء بدهد.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
				<p>(۱۰) معمولاً به جنبه‌های مهم زندگی ام توجه می‌کنم.</p> <p>(۱۱) معمولاً با مردم به عنوان ارباب رجوع برخورد می‌کنم.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
				<p>(۱۲) این که کجای دنیا زندگی می‌کنم، مهم نیست، مهم این است که یک انسان هستم.</p> <p>(۱۳) برای من ایرانی بودن یا غیر ایرانی فرقی نمی‌کند.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
				<p>(۱۴) خانواده، مهم‌ترین چیز برای من در زندگی است.</p> <p>(۱۵) تمام تلاش خود را حتی به قیمت رفاه و سلامتی خویش برای اعضای خانواده انجام می‌دهم.</p>	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)



نوسازی فرهنگی نیز براساس ۳ شاخص تقدیرگرایی، برابری/مساوات طلبی جنسی و مصرف رسانه‌ای مورد اندازه گیری قرار گرفته است.

جدول ۳. تعاریف عملیاتی متغیرها (نوسازی فرهنگی)

مفهوم	مولفه‌ها	ابعاد / شاخص‌ها	نظریه پرداز	گویندها	سطح سنجش
نوسازی (متغیر مستقل)	فرهنگی	تقدیرگرایی	راجرز	(۱) سرنوشت هرکسی از قبل تعیین شده است و نمی‌توان آن را تغییر داد. (۲) اگر خدا می‌خواست، وضع ما از این که الان هست، بهتر بود.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
		برابری/مساوات طلبی جنسی	چافز	(۳) زن، همیشه زن است و هیچ وقت نمی‌تواند مثل یک مرد در جامعه ظاهر شود. (۴) زن و مرد باید کارهای خانه را با هم انجام دهند. (۵) زن هم باید بتواند مثل مرد بیرون از خانه هم کار کند و هم درس بخواند.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
		مصرف رسانه‌ای	تکرپبکی	(۶) در خانواده شما، تا چه اندازه از رسانه‌های زیر استفاده می‌شود؟ روزنامه/مجله، اینترنت و ماهواره	ترتیبی (از خیلی زیاد با کد ۱ تا خیلی کم با کد ۵)

نوسازی روانی به تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شناختی و جز این‌ها اطلاق می‌شود که در سایه تجاربی چون اقامت در شهر، رفتن به مدرسه، تماس با رسانه‌های جمعی و استخدام در بنگاه‌های مدرن به دست می‌آید (بنوعیزی، ۱۳۷۴: ۱۳). برای سنجش نوگرایی روانی، از ۳ شاخص فرعی به نام‌های برخوردار از ویژگی‌های انسان مدرن، انگیزه پیشرفت و همدلی استفاده شده است.

جدول ۴. تعاریف عملیاتی متغیرها (نوسازی روانی)

مفهوم	مولفه‌ها	شاخصی‌ها ابعاد/	نظریه پرداز	گویه‌ها	سطح سنجش
نوسازی (متغیر مستقل)	روانی	انسان مدرن بخودداری از ویژگی‌های	اینکس و اسمیت	(۱) فکر می‌کنم انسان باید از هر چیز نو در زندگی استقبال کند. (۲) همیشه برای کارهایم از قبل برنامه‌ریزی می‌کنم.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
		انگیزه پیشرفت	مک‌کله‌لند	(۳) سعی می‌کنم فردایم بهتر از امروز باشد. (۴) وقتی کار دشواری را انجام می‌دهم، آن قدر تلاش می‌کنم تا در نهایت بتوانم در آن موفقیت حاصل کنم.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)
		همدلی	راجرز	(۵) دوست داشتم یک شغل پردرآمد در جامعه داشتم. (۶) گاهی اوقات خودم را جای مسئولین قرار می‌دهم و راجع به مسائل فکر می‌کنم.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)

نوسازی سیاسی دلالت بر گسترش نهادهای دموکراتیک و مشارکت مردم در امور سیاسی جامعه دارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۹۰). نوسازی سیاسی در قالب شاخص کارآیی سیاسی اندازه‌گیری شده است. کارآیی سیاسی^۱، به معنای اعتقاد فرد به این است که آیا تغییر سیاسی و اجتماعی ممکن است یا خیر (شوارزر^۲، ۲۰۱۱: ۵).

1. political efficacy
2. Schwarzer



جدول ۵: تعاریف عملیاتی متغیرها (نوسازی سیاسی)

مفهوم	مولفه‌ها	ابعاد/شاخص‌ها	نظریه پرداز	گویه‌ها	سطح سنجش
نوسازی (متغیر مستقل)	سیاسی	کارآیی سیاسی	شوارتز	(۱) فکر می‌کنم مقامات و مسئولان کشوری به نظرات افرادی مثل من احتیاجی ندارند. (۲) رأی‌دادن تنها راهی است که افرادی مثل من می‌توانند حرفشان را بزنند. (۳) من مسائل سیاسی کشورم را به آسانی درک می‌کنم. (۴) تصمیمات مهم کشوری اغلب به شکلی که ما از آن مطلع نمی‌شویم، گرفته می‌شود.	ترتیبی (از کاملاً موافق با کد ۱ تا کاملاً مخالف با کد ۵)

جهت ارزیابی پایایی ابزار از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که برای برآورد گویه‌های رتبه‌ای در ابزار سنجش استفاده می‌شود. آلفای کرونباخ هر یک از متغیرهای فوق در جدول زیر آمده است. ارقام جدول نشان می‌دهند که کل طیف‌ها از پایایی برخوردار می‌باشند.

جدول ۶: میزان آلفای کرونباخ (پایایی) گویه‌های هر طیف

شاخص	تعداد گویه	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ
کارکرد حمایتی - مراقبتی	۳	۸/۱۳	۳/۸۳	۰/۸۶
کارکرد عاطفی	۳	۹/۳۹	۲/۸۱	۰/۶۸
نوسازی	۳۱	۱۰۹/۶	۲۴/۴۱	۰/۹۵

یافته‌های پژوهش

خلاصه ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان

توزیع جنسی پاسخ‌گویان به این صورت بوده است که مردان ۶۹/۸ درصد و زنان ۳۰/۲ درصد بوده‌اند، پراکندگی سنی پاسخ‌گویان، ۲۶/۲ درصد در گروه سنی ۲۹ سال و کمتر،

۸/۸ درصد از آنان در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال و ۱۳/۱۲ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال، ۹/۵ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ سال و ۴۲/۲ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۵ سال را تشکیل می دادند. توزیع پاسخ گویان از حیث تحصیلات، ۳۴/۲ درصد از کل پاسخ گویان دارای تحصیلات زیردیپلم، ۲۸ درصد دیپلم و ۱۴ درصد فوق دیپلم، ۱۹/۵ درصد لیسانس و ۴/۲ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. از نظر شغلی، پاسخ‌گویان به ترتیب بیکار (۱۲/۵ درصد)، کارگر (۲۳/۵ درصد)، کارمند (۲۶/۵ درصد) و آزاد (۳۷/۵ درصد) بوده‌اند. سطح هزینه خانوار، ۱۴/۹۲ درصد زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۵۴/۲ درصد ۵۰۱ تا ۱ میلیون تومان، ۲۶/۸ درصد ۱۰۰۱ تا ۱۵۰۰ میلیون، ۴/۲ درصد ۱۵۰۱ تا ۲۰۰۰ میلیون و ۰/۵ درصد بیشتر از ۲۰۰۰ میلیون تومان در خانواده هزینه داشته‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

به منظور آزمون تفاوت میانگین بین متغیر مستقل (نوسازی) و متغیر وابسته (کارکرد خانواده) در نقاط شهری و روستایی استان مازندران از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون t دو نمونه مستقل بین پیرامون نوسازی و کارکرد خانواده

متغیرها	محل سکونت	میانگین	انحراف معیار	ارزش T	سطح معناداری (Sig)
نوسازی	شهری*	126.70	18.516	25.639	.000
	روستایی**	88.78	10.643		
کارکرد حمایتی - مراقبتی	شهری	5.63	2.093	-20.848	.000
	روستایی	11.18	3.205		
کارکرد عاطفی	شهری	8.79	2.509	4.736	.000
	روستایی	10.12	2.992		
	روستایی	12.46	3.604		

*n= 220, **n= 180

بر طبق نتایج آزمون t مشخص شد که میانگین متغیر نوسازی، در بین شهری‌ها از روستاییان بیش‌تر بوده است و این تفاوت به لحاظ آماری در سطح خطای کوچک‌تر از



۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ نیز معنادار می‌باشد. هم چنین، تفاوت معناداری بین میانگین متغیرهای کارکرد حمایتی- مراقبتی و کارکرد عاطفی نقاط شهری و روستایی در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد. بر این اساس، روستاییان نسبت به شهری‌ها میزان بیش‌تری از ویژگی‌های فوق را در زندگی خود تجربه کرده‌اند.

جدول ۸. آزمون همبستگی بین نوسازی و کارکرد خانواده

نقاط روستایی		نقاط شهری		مقیاس متغیرها	متغیرها
سطح معنی‌داری (Sig)	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری (Sig)	میزان همبستگی		
.840	-.015	.000	-.783(**)	فاصله‌ای - فاصله‌ای	نوسازی - کارکرد حمایتی و مراقبتی
.858	-.013	.587	-.037	فاصله‌ای - فاصله‌ای	نوسازی - کارکرد عاطفی

در نقاط شهری، رابطه بین نوسازی و کارکرد حمایتی و مراقبتی نیز در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ و اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار است. براساس این نتیجه، خانواده‌هایی که از ویژگی‌های نوسازی بالاتری برخوردارند، میزان کارکرد حمایتی و مراقبتی آن‌ها نسبت به خانواده‌هایی که نوسازی در آن‌ها پایین‌تر است کم‌تر است. ($t = -0.783$; $P = 0.000$). البته رابطه بین نوسازی و ساختار قدرت در حد قوی است. هم چنین، در نقاط روستایی رابطه بین فرآیند نوسازی و کارکرد حمایتی و مراقبتی در سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ معنی‌دار نیست ($t = -0.015$; $P = 0.840$). درباره رابطه بین دو متغیر نوسازی و کارکرد عاطفی نیز، شاهد عدم ارتباط بین این دو متغیر در سطح خطای کم‌تر از ۰/۰۵ در نقاط شهری ($t = -0.037$; $P = 0.587$) و نیز نقاط روستایی ($t = -0.013$; $P = 0.858$) هستیم. یعنی، خانواده‌هایی که از نوسازی و ویژگی‌های مترتب بر آن برخوردارند، در کارکرد عاطفی آنان تاثیری نداشته است.

مدل‌سازی معادلات ساختاری (نقاط شهری)

فرضیه پژوهش

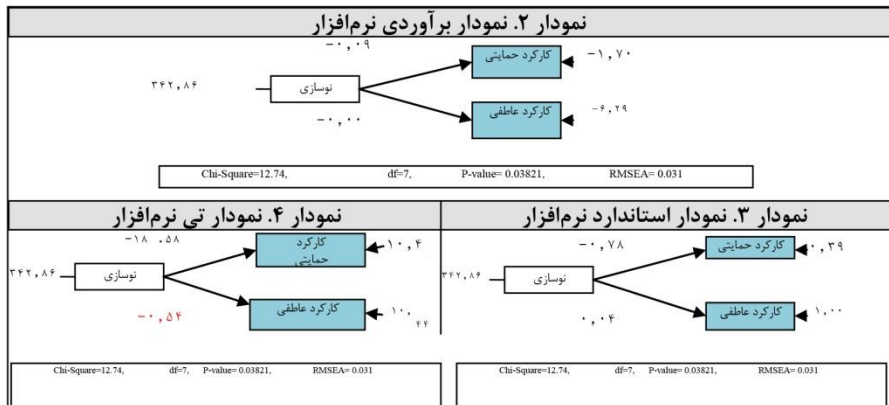
فرض صفر: تأثیر نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط شهری استان مازندران، متفاوت بوده است.

فرض یک: تأثیر نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط شهری استان مازندران، یکسان بوده است.

$$H_0: RMSEA \geq 0.10$$

$$H_1: RMSEA < 0.10$$

الگوی روابط علی در مدل معادله ساختاری اثرگذاری متغیر نوسازی بر مؤلفه‌های کارکرد خانواده در نقاط شهری استان مازندران بر نرم افزار معادلات ساختاری لیزرل به شرح ذیل است:



نتیجه آزمون: به منظور مشخص نمودن برآورد شاخص‌های نیکویی برازش، فاکتورهای گوناگونی وجود دارد که ذیلاً هر یک از آن‌ها در قالب جدولی منسجم ارائه خواهد شد:



جدول ۹. شاخص های نیکویی برازش

شاخص	نام شاخص	میزان استاندارد	مقدار آزمون	نتیجه
χ^2/df	نسبت مجذور کای بر درجه آزادی	$< 3/00$	۱,۸۲	تایید آزمون
RMSEA	جذر برآورد واریانس خطای تقریب	$< 0/10$	۰,۰۳۱	تایید آزمون
GFI	شاخص برازندگی	$> 0/90$	۰,۹۱	تایید آزمون
AGFI	شاخص تعدیل شده برازندگی	$< 0/05$	۰,۹۳	تایید آزمون
NFI	شاخص برازندگی نرم شده	$> 0/90$	۰,۹۲	تایید آزمون
NNFI	شاخص برازندگی نرم نشده	$> 0/90$	۰,۹۴	تایید آزمون
CFI	شاخص برازندگی تطبیقی	$> 0/90$	۰,۹۷	تایید آزمون

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۹، می توان گفت مدل بالا برازش خوبی از داده های دنیای واقعی داشته است. یعنی در مجموع کلیت مدل معادله ساختاری، تأثیر متغیر فرآیند نوسازی بر مؤلفه های کارکرد خانواده در نقاط شهری استان مورد تایید بوده و برازش معنی داری دارد. در زیر میزان اثرگذاری مستقیم هر یک از ابعاد بر اساس خروجی نرم افزار ارائه خواهد شد:

جدول ۱۰. میزان اثرگذاری مستقیم نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط شهری

متغیر مکنون	متغیر مشهود	مقدار تی	ضریب برآوردی	ضریب استاندارد
نوسازی	کارکرد حمایتی - مراقبتی	-۱۸,۵۸	-۰,۰۹	-۰,۷۸
	کارکرد عاطفی	-۰,۵۴	-۰,۰۰	-۰,۰۴

نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می دهد، با تاکید به ضرایب تی الگوی تحقیق، مقدار تی (-۰,۱۸) بیشتر از ۲ شده است، لذا اثرگذاری متغیر نوسازی بر مؤلفه کارکرد حمایتی - مراقبتی مورد تایید قرار می گیرد. مقدار ضرایب استاندارد شدت تاثیر برابر با

۰,۷۸-، قوی و معکوس می باشد. بنابراین، هر چه گرایش به فرآیند نوسازی در خانواده‌های شهری بیشتر باشد، کارکرد حمایتی - مراقبتی آنان در خانواده کمتر می‌شود. همچنین، مقدار تی برابر با ۰,۵۴- شده و این مقدار کوچک‌تر از ۲ می‌باشد، لذا اثرگذاری متغیر نوسازی بر کارکرد عاطفی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین میزان شدت این تاثیر برابر با ۰,۰۴- می باشد.

مدل‌سازی معادلات ساختاری (نقاط روستایی)

فرض‌های پژوهشی

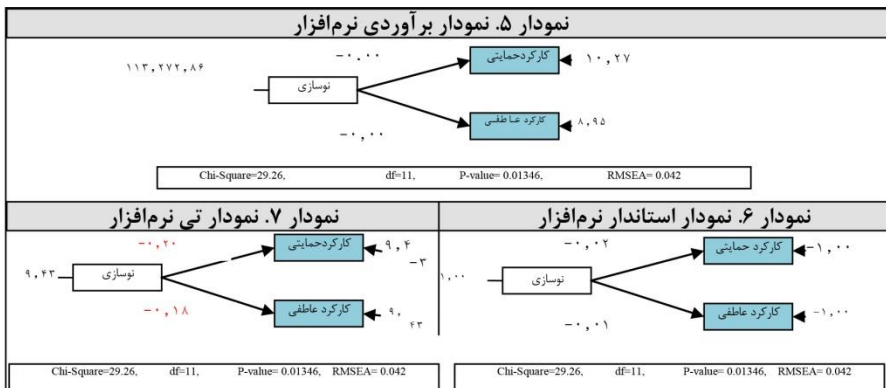
فرض صفر: تأثیر نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط روستایی استان مازندران، متفاوت بوده است.

فرض یک: تأثیر نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط روستایی استان مازندران، یکسان بوده است.

$$H_0: RMSEA \geq 0.10$$

$$H_1: RMSEA < 0.10$$

الگوی روابط علی در مدل معادله ساختاری اثرگذاری متغیر نوسازی بر مؤلفه‌های کارکرد خانواده در نقاط روستایی استان مازندران بر نرم افزار معادلات ساختاری لیزرل به شرح ذیل است:





جدول ۱۱. شاخص های نیکویی برازش

شاخص	نام شاخص	میزان استاندارد	مقدار آزمون	نتیجه
χ^2/df	نسبت مجذور کای بر درجه آزادی	$< 3/00$	۲,۶۶	تایید آزمون
RMSEA	جذر برآورد واریانس خطای تقریب	$< 0/10$	۰,۰۴۲	تایید آزمون
GFI	شاخص برازندگی	$> 0/90$	۰,۹۱	تایید آزمون
AGFI	شاخص تعدیل شده برازندگی	$< 0/05$	۰,۹۲	تایید آزمون
NFI	شاخص برازندگی نرم شده	$> 0/90$	۰,۹۰	تایید آزمون
NNFI	شاخص برازندگی نرم نشده	$> 0/90$	۰,۹۴	تایید آزمون
CFI	شاخص برازندگی تطبیقی	$> 0/90$	۰,۹۶	تایید آزمون

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۱۱، می توان گفت مدل بالا برازش خوبی از داده های دنیای واقعی داشته است. یعنی این که در مجموع کلیت مدل معادله ساختاری تأثیر متغیر فرآیند نوسازی بر مؤلفه های کارکرد خانواده در نقاط روستایی استان مورد تایید بوده و برازش معنی داری دارد. در زیر میزان اثرگذاری مستقیم هر یک از ابعاد بر اساس خروجی نرم افزار ارائه خواهد شد:

جدول ۱۲. میزان اثرگذاری مستقیم نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط روستایی

متغیر مکنون	متغیر مشهود	مقدار تی	ضریب برآوردی	ضریب استاندارد
نوسازی	کارکرد حمایتی - مراقبتی	-۰,۲۰	-۰,۰۰	-۰,۰۲
	کارکرد عاطفی	-۰,۱۸	-۰,۰۰	-۰,۰۱

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۱۲، با تاکید به ضرایب تی الگوی تحقیق، مقدار تی (-۰,۲۰) کمتر از ۲ شده، لذا اثرگذاری متغیر نوسازی بر مؤلفه کارکرد حمایتی - مراقبتی مورد تأیید قرار نمی گیرد. مقدار ضرایب استاندارد شدت تأثیر برابر با -۰,۰۲ می باشد. همچنین، مقدار تی برابر با -۰,۱۸ شده و این مقدار کوچک تر از ۲

می‌باشد، از این رو، اثرگذاری متغیر نوسازی بر کارکرد عاطفی مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین میزان شدت این تأثیر برابر با $0,01$ - می‌باشد که این بیانگر عدم تأثیرگذاری می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نهاد خانواده در ایران در چند دهه‌ی اخیر عمدتاً به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌های نوسازی، دست‌خوش تغییرات مهمی شده که این تغییرات، چالش‌هایی را در برابر کارکردهای سنتی خانواده ایرانی قرار داده است. در این پژوهش، نوسازی اجتماعی بر اساس شاخص‌های متغیرهای الگویی پارسونز (ازکیا و غفاری، ۱۳۷۷)، جهانی‌گرایی و خانواده‌گرایی، نوسازی فرهنگی براساس شاخص‌های تقدیرگرایی (ازکیا، ۱۳۷۷)، برابری/مساوات‌طلبی جنسی (ترنر، ۱۹۷۰) و مصرف رسانه‌ای (شکرپیگی، ۱۳۹۰)، نوسازی روانی نیز براساس شاخص‌های برخورداری از ویژگی‌های انسان مدرن، انگیزه پیشرفت و همدلی در خانواده‌ها و نهایتاً نوسازی سیاسی در قالب شاخص کارآیی سیاسی (شوارتز، ۲۰۱۱) مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. در بعد کارکردی، تغییر در کارکردهای مختلف خانواده و یا واگذاری برخی کارکردها به نهادهای دیگر، از جمله تأثیرات نوسازی است (چیل، ۱۳۸۸).

یافته‌ها نشان داد که در نقاط شهری، رابطه بین نوسازی و کارکرد حمایتی - مراقبتی نیز معنی‌دار است. اما، در نقاط روستایی رابطه بین نوسازی و کارکرد حمایتی - مراقبتی معنی‌دار نیست. درباره رابطه بین دو متغیر نوسازی و کارکرد عاطفی نیز، بین این دو متغیر در نقاط شهری و نیز نقاط روستایی ارتباط وجود نداشت. یعنی، خانواده‌هایی که از نوسازی و ویژگی‌های مترتب بر آن برخوردارند، در کارکرد عاطفی آن‌ها تغییری رخ نداده است. شاخص‌های برازش نیکویی نشان می‌دهد که کلیت اثرگذاری نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط شهری و نیز فرض اثرگذاری متغیر نوسازی بر کارکرد خانواده، مورد تأیید قرار گرفته است. در مقابل، شاخص‌های برازش نیکویی نشان می‌دهد که اگرچه کلیت اثرگذاری نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط روستایی مورد تأیید قرار گرفته است اما فرض اثرگذاری متغیر نوسازی بر کارکرد خانواده در نقاط روستایی مورد تأیید قرار نگرفته است.



در این پژوهش نیز مفهوم نوسازی به عنوان نگرش نوین به زندگی در چارچوب فکری و رفتاری انسان نو مورد بررسی قرار گرفت. از طرف دیگر، بدیهی است که قرار گرفتن انسان در این چارچوب فکری و رفتاری نو مسائل زیادی را در کارکرد خانواده پدید آورده است. یکی از تاثیرات نوسازی این است که کارکرد خانواده را تا حدّ یک واحد عاطفی صرف، تقلیل می‌دهد، از این رو، خانواده فقط واحدی برای رفع نیازهای عاطفی فردی و بستری برای تولید شهروندان مدنی است که به دنبال کاهش مناسبات بین نسلی بین خویشاوندان پدید می‌آید. بنابراین، در این الگو موضوع اصالت فرد شرایط را برای تداوم پاره‌ای از آسیب‌های فعلی خانواده هموار می‌سازد، چرا که امروزه کاهش روابط عاطفی در خانواده و رشد انتخاب فردی باعث شده است تا ازدواج، طلاق، بُعد خانواده، روابط بین نسلی و نظایر آن تحت تأثیر قرار گیرد. یکی دیگر از تاثیرات نوسازی، کم‌رنگ شدن کارکرد حمایتی و مراقبتی خانواده‌ها در قبال اعضای خانواده است. در نوسازی، خانواده محوری جای خود را به فرد محوری می‌دهد و هم‌زمان، سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را به عهده می‌گیرند. لذا، مطابق با تغییر کارکرد خانواده شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه، خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. هم‌چنین، در تاثیرگذاری نوسازی، بدیهی است با تغییر نقش‌ها، بخشی از کارکردهای خانواده دچار اختلال و تغییر می‌شود.

مواجهه خانواده با نوسازی در برخی موارد به تغییر کارکرد خانواده منجر شده است. اما با این حال، در جامعه مورد مطالعه، خانواده هنوز هم از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است و نمی‌توان شواهدی برای از بین رفتن کارکرد خانواده یافت. هم‌چنین، کارکرد حمایتی و عاطفی خانواده چه در نقاط شهری و چه در نقاط روستایی از بین نرفته است. براساس یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین پیشنهادها به شرح زیر می‌باشد:

۱. در نوسازی، نهاد خانواده، دگرگونی‌های متعددی را به لحاظ کارکردی تجربه کرده است. ضروری است که نهاد خانواده باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و در راستای تغییرات حرکت کند. در غیر این صورت، دچار مشکل شده و از ایفای کارکردهای خود باز می‌ماند. چرا که اگر خانواده‌ها در برابر این انطباق مقاومت کنند، دچار از هم پاشیدگی می‌شوند. با توجه به آنچه درباره وضعیت خانواده در استان بیان شد، می‌توان گفت عواملی که منجر به این تغییرات شده را می‌توان در سطح کلان و سطح خرد دسته بندی کرد.

الف) در سطح کلان؛ باید جامعه و تحولات آن را در نظر داشت. عمده‌ترین تحولی که در این سطح به وقوع پیوسته، گام نهادن در جریان نوسازی بوده که از مصادیق آن می‌توان به نوسازی اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی اشاره کرد. ب) در سطح خرد؛ باید به افراد به عنوان اعضای خانواده و تحولات آن‌ها اشاره داشت. در این سطح، اعضای خانواده متأثر از این جریان‌ات آگاه‌تر شده، تغییر رفتار و نگرش می‌دهند. نهادینه شدن این تغییرات در اعضای خانواده، در نهایت منجر به تغییرات خانواده می‌شود.

۲. نتایج به دست آمده از نوسازی در خانواده، بیانگر این قضیه است که نوسازی در خانواده‌ها، اتفاق افتاده است. یافته‌ها، گویای آن است که، خانواده‌های مازندرانی بر اساس اندیشه‌های سنتی خود، به شکل‌های متفاوت، اندیشه مدرن شدن را اخذ کرده‌اند و در حقیقت، نوعی مدرنیته بومی در خانواده‌ها در حال شکل گرفتن است. نوسازی در زمینه کارکرد خانواده، به قدری گسترده و عمیق است که معرفی و بررسی جامع آن‌ها در یک تحقیق محال است. از این رو، به رغم دقت هر محقق در جامعیت بخشیدن، همچنان ضرورت کارکردن بیش‌تر در این زمینه وجود دارد و چه بسا بنا به محدودیت‌هایی، محققان نتوانند به این جامعیت تحقق بخشند. مقاله حاضر نیز، از خانواده همین تحقیقات است که در مسیر انجام، دچار محدودیت‌هایی خواسته و ناخواسته شده است. لذا، لازم است برنامه‌ریزی کوتاه مدت و سیاست‌های حمایتی-عاطفی از خانواده‌ها از طریق برنامه‌های تبلیغی و نیز آموزش و بسترسازی برای حضور خانواده‌ها در امور اجتماعی- فرهنگی انجام پذیرد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران، موسسه نشر کلمه.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشن‌گران و مطالعات زنان.



اینگله‌هارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، (مریم وتر)، تهران، انتشارات کویر.

آزاد ارمکی، تقی و مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۷۹). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶: صص ۲۹-۳.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶). «بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران»، فصل‌نامه فرهنگ، ویژه علوم اجتماعی، سال دهم، شماره‌های دوم و سوم، پیاپی ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز.

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.

بنوعزیزی، علی (۱۳۷۴). «جایگاه سنت و تجدد»، ترجمه محمد عابدی اردکانی، ماه‌نامه فرهنگ و توسعه، شماره ۱۸.

چپل دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز، (محمد مهدی لیبی)، تهران، افکار.

رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی در جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی؛ ستیز؛ کنش متقابل نمادی، (حسین بهروان)، مشهد، انتشارات مؤسسه چاپ.

ستوده، هدایت‌الله و سیف‌الله بهاری (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات ندای آریانا.

شکر بیگی، عالییه (۱۳۹۰). مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی خانواده، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱: صص ۴۷-۲۵.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، (حسن چاوشیان)، تهران، انتشارات طرح نو.

گیدنز، آنتونی و کارن بردسالی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، (حسن چاوشیان)، تهران، نشر نی.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان مازندران.

مهدی، علی‌اکبر (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات پیام.

Aghajanian, A. (2001). Family and Family Change In IRAN, in Char Iles B. Hennon & Timothy H. Brubker (eds.) Diversity in Family: A Global Perspective, New York, Wad Worth Publishing company.

- Bernard, Jessie (1972). "The Future of Marriage", New York: World publishing.
- Boserup, E. (1981). Women's Role in Economic Development, New York: St Martin's Press.
- Epstein, Nathan. B., Baldwin, Lawrence. M. and Bishop, Daldwin. S. (1983). THE Mcmster Family Assessment Device. Journal of Marital and Family Therapy, 9: 171-180.
- Good, W. (1963). World Revolution and Family Patterns, London: Glencoe.
- Habermas, Jurgen (1989). The structural Transformation of public-sphere, The MIT Press Cambridge Massachusetts.
- Haralambos, M. (1991). with R.M, Heald. Sociology Themes and perspectives. (F.P 1980) P. Oxford University.
- Hirschman, C. and N. H. Minh. (2002). Tradition and Change in Vietnamese Family Structure in The Red River Delta, Journal of Marriage and Family, 64. Pp 1063-1079.
- Inkeless, Alex (1976). "The Modernization of Man", in Modernization: Dynamics of Growth, Edited by Myron Weiner, New York, Voice of America Forum Series.
- Jayakody, R. A. Thornton, and W. Axinn (2007). International Family Change: Ideational Perspectives. New York: Taylor & Francis Group, LLC.
- Konig, Rene (1978). Desintegration und Desorganization der Familie, in Franz Filsner (Hrsg), Einfuhrung in die Familiensoziologie. Zurich: UTB, S.244-257.
- Lambert, Richard (1963). Worker, Factories and Social Change in India, Princeton University Press, especially chap.
- Lerner, Daniel (1958). The Passing of Traditional Society, Modernizing the Middle East, London, Collier MacMillan limited.
- Lesthaeghe, R. (1983). A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe: An Exploration of Underlying Dimensions, Population and Development Review 9(3): 411-436.
- McDonald, P. (2006). Low Fertility and State Policy, Population and Development Review 5(2): 123-138.



- Parsons, Talcott (1966). *Societies: Evolutionary and Comparative perspectives*, Englewood wood Cliffs: Prentice Hall.
- Sehafer, Richard T.(1989). *Sociology*, McGraw-Hill Book Company, New York.
- Schwarzer, Steve (2011). *Political socialization as the driving factor for political engagement and political participation*, March 20-24, Amsterdam.
- Seltzer, J. A. and et al. (2005). *Explaining Family Change and Variation: Challenges for Family Demographers*. *Journal of Marriage and Family*, 67:908.
- Smelser, Neil J(1959). *social change in the Industrial Revolution*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Sunderam, A. (2005). *Modernizatio, Life Course, and Marriage Timing in Indonesia*, PhD Dissertation, Department of Sociology, University of Maryland, College Park.
- Thoronton, A, G. Binsrok and D. Ghimire (2004). *International Networks, Ideas, and Family Change*, University of Michingan, Population Studies Center, Report NO. 04-566.
- Turner , Ralph H.(1970). *Family & Relationships*, New York: John Wiley & Sons.
- Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, Wadworth.
- Wood, Rober, C. (1977). "Modernization and Higher Education", in *Modernization: The Dynamics of Growth*, New York, and Voice of America Forum Series.